**بسم الله الرحمن الرحیم**

**خبر واحد**

**بحث انسداد**

**تنبیهات انسداد**

**تنبیه دوم**

**استاد آیت الله عندلیب همدانی**

**جلسه صد و چهل و هشتم\_8 بهمن 1399**

[اشاره­ایی به سیر مباحث]

دنبال راه­حل­هایی بودیم که هم بتوانیم انسدادی باشیم و مرجعیت را برای مطلق ظنون قائل شویم و هم این مرجعیت را بعد تمامیة مقدمات انسداد به حکم عقل بدانیم، یعنی قائل له حکومت شویم، مشکل از اینجا شروع شد که حکم عقل قابل استثناء و تخصیص نیست، حال چگونه با این همۀ روایاتی که در باب منع از قیاس به ما رسیده است، رفتار کنیم، از سویی نمی توان این روایات را نادیده گرفت، از سویی قیاس مفید ظن است حتی در مواردی مساوی یا حتی اقوی از ظنون دیگر و از سویی حکم عقل به حجیت ظنون، قابل استشناء نیست، حال چه باید کرد؟

چهار وجه را در جلسات گذشته عرض کردیم و اشکالات شیخ اعظم قدس الله روحه تبیین شد.

اما وجه پنجم

اینکه بگوییم دلیل انسداد مثبات حجیت ظنونی است که لم یقم علی عدم حجیته دلیلٌ، از اول دائرۀ حکم عقل را تنگ میگیریم و می گوییم دلیل انسداد و به عبارت دیگر مقدمات انسداد، مثبت حجیت هر ظنی نیست، لزومی ندارد، ظنی بنابر انسداد مرجع باشد، که قام علی حجیته دلیل. این با اساس مسلک انسداد، مناسبت ندارد، ولی می توانیم بگوییم نتیجۀ مقدمات انسداد، اگر در کنار ادلۀ مانعۀ از مثل قیاس قرار بگیرد، و این هم جزء مقدماتی باشد که می خواهیم نتیجه بگیریم، می گوییم ببینید چه ظنونی قام علی عدم حجیته، دلیل، آنها را کنار بگذار و هر ظنی که لم یقم علی عدم حجیته دلیل آن را اخذ کن، بنابراین حکم عقل به مرجعیت ظنون، تخصیص به قیاس نخورد، بلکه خروج قیاس به نحو تخصص است، چون اساسا آن ظنونی حجت هستند که لم یقم علی عدم حجیته دلیلٌ.

مرحوم شیخ انصاری قدس الله نفسه مطلب را اینگونه توضیح میدهد که بنابر انسداد و قول به حکومت، عقل حکم می کند به اعتبار ظن، عقل حکم می کند به عدم اعتناء به احتمال موهوم فی مقام الامتثال، مسلک حکومت، یعنی عقل می­گوید به ظنون عمل کن، برائت ظنیه از تکالیف برای خود حاصل کن، چه این که این برائت ظنیه، تقوم مقام العلمیه، حال اگر شارع از مثل قیاس منع کرد، منعا اکیدا کثیرا، ما از این منع شارع از قیاس استفاده می کنیم که در چنین جایی اگر به قیاس عمل شد، برائت ظنیه حاصل نمی شود، برائت ظنیه آنجایی است که از آن ظن شارع نهیی نکرده باشد، هر جا شارع از ظن مثل قیاس نهی کرد، دیگر آن ظن موجب حصول، برائت ظنیه نخواهد بود.

بعد مرحوم شیخ می فرماید برای این که عدم حصول برائت ظنیه از مثل قیاس برای تو روشن شود، فعلاً فرض کن تو انفتاحی هستی. خب برای انفتاحی حرام بود، به حکم عقل عمل به ظنون، نباید به احتمالات موهوم انفتاحی عمل کند، انفتاحی اصل را حرمت عمل به ظنون می داند، حال اگر مثلا دلیلی از شارع قائم شد بر اعتبار ظنی و بر وجوب عمل به آن، مثل خبر واحد

**فانّ هذا لا یکونُ تخصیصاً فی حکمِ العقلِ بحرمةِ العمل بالظن لان حرمة العمل بالظن مع التمکنِ انّما هوَ لقبحِ الاکتفاء بما دون الامتثال العلمی مع التمکن من العلمی فاذا فرض الدلیل علی اعتبار ظنٍ و وجوب العملِ بهِ صار الامتثالُ فی العمل بمؤداه علمیاً فلا یشمله حکمُ العقل بقبح الاکتفاء بما دونَ الامتثال العلمی**.

اگر تو انفتاحی بودی درست است که اصل را حرمت عمل به ظنون می دانی ولی اگر دلیلی قائم شد، که مثلا حجیت دارد، خبر واحد، آن دلیل، دلیل علمی بود، اگر چه مفاد خبر ظنی است، اینجا نمی گوییم خبر واحد از اصل حرمت عمل به ظنون تخصیصا خارج شده است، بلکه اصل حرمت عمل به ظنون به حکم عقل است و غیر قابل تخصیص، اگر می­گوییم باید به خبر واحد با این که ظنی است عمل کنیم، این به پیکرۀ حکم عقل به حرمت عمل به ظنون تخصیص وارد نکرده، بلکه ما الآن هم می­گوییم هر جا ظنی بود، لا یجوز الاکتفا به، بلکه این جا چون دلیلی معتبر از شارع قائم شده است بر اعتبار ظنی خاص مثل خبر واحد، اینجا به برکت این دلیل معتبر، به برکت این دلیل علمی، عمل به خبر واحد هم از آن ظنونی که اصل در آن ظنون را عدم حجیت دانستیم، تخصصا خارج می­شود.

حال وقتی مسأله بنابر انفتاح این چنین بود، عکس همین مطلب را انسدادی هم قائل است.

**فما نحن فیه علی العکس من ذلک**،

یعنی چه؟ یعنی انسدادی می گوید من در فرض انسداد به همۀ ظنون عمل می کنم اما اگر خود شارع ظنی را خارج دانشته و منع کرد، خروج این ظن از تحت قاعدۀ حجیت ظنون می شود، خروج بالتخصص لا بالتخصیص.آنچه در حکم عقل مورد ایراد است، خروج بالتخصیص است، لا بالتخصص. چون پاسخ این جواب پاسخ این راه حل توضیح مفصلی می طلبد و بحث هم بسیار مهم است ان شاء الله در جلسۀ آینده

و صلی الله علی سیدنا و نبینا محمد صلی الله علیه و آله و سلم.